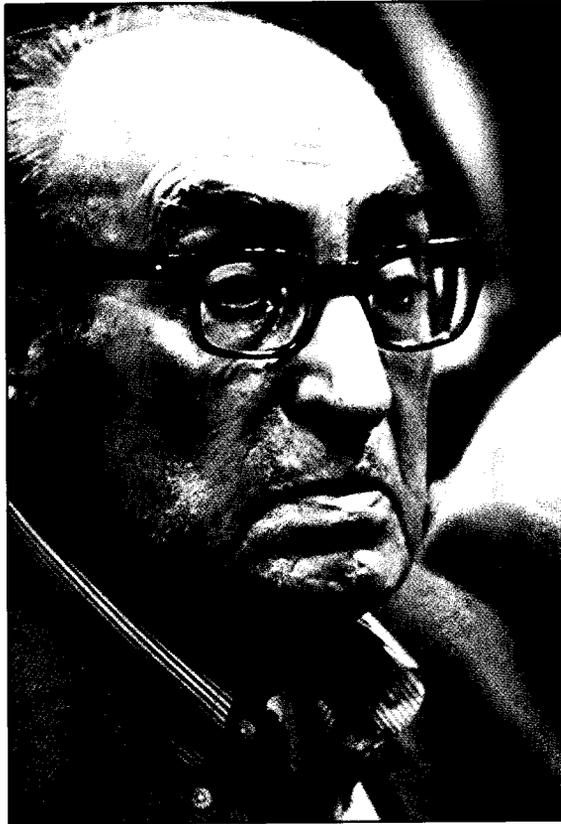


...دیدیم کزین جمع پراکنده کسی رفت



نوشتن از رضا سید حسینی ساده نیست. نمی‌توان درباره او حرفی زد که اهالی فرهنگ و دوستان ادبیات از آن بی‌خبر باشند یا چیزی گفت که بارها پیش از این گفته نشده باشد بخصوص اگر جزو حلقه نزدیکان او نباشی. اولین دیدار من با رضا سید حسینی در دومین «همایش ترجمه ادبی در ایران» در سال ۸۴ در دانشگاه فردوسی مشهد اتفاق افتاد. برای من که در آنزمان دانشجوی سال دوم ترجمه بودم این دیدار اتفاق بسیار بزرگی به حساب می‌آمد. اما در همان دیدارهای کوتاهی که در طی مدت دوره‌ای این همایش دست داد یک نکته بیش از هر چیز نظرم را جلب کرد. در میان اکثر حضار نسبتاً پرآوازه این همایش، شور و شوقی که سید حسینی برای شرکت در تمام جلسات طولانی و پرفشار

همایش و شرکت فعالانه در مباحثات پایان سخنرانی‌ها داشت در نظر من جنبه‌ای متفاوت پیدا کرد. این نکته به ویژه با توجه به سن بالای او و ضعف جسمانی‌اش که کاملاً در سیمایش مشهود بود اهمیتی دو چندان می‌یافت. به گمانم این شوق به آموختن از دیگران که در سن و سال او بسیار معنادارتر می‌نمود و همچنین اعتقادی که به انجام مباحثات فنی و رد و بدل کردن آراء خود با دیگران داشت از او چهره‌ای می‌ساخت که در میان هم‌نسلان خودش اگر نه نایاب که کمیاب است. کسانی که در جلسات هفتگی «شهرکتاب» شرکت می‌کردند و می‌کنند قطعاً خاطره پیرمرد خستگی‌ناپذیری که همیشه در ردیف جلوی مستمعین این جلسات حاضر می‌شد و صبورانه به گفتارهای سخنرانان - گاه بسیار جوان - این جلسات، گوش می‌سپرد را هیچ‌گاه از خاطر نخواهند برد.

خبرهای مبنی بر بیماری رضا سید حسینی را از یکی دو سال پیش کم و بیش می‌شنیدیم اما هر بار پس از مدتی با برگشتن مجدد او به سر کارهایش نگرانی‌ها کمرنگ می‌شد. تا اینکه در پانزدهم فروردین امسال سید حسینی با حالت خفگی به بیمارستان ایرانمهر منتقل شد و به دلیل عفونت ریه در بخش مراقبت‌های ویژه بستری شد. اینبار اما بیماری مجالی دوباره به او نداد و در بامداد روز جمعه ۱۱ اردیبهشت خبر فوت او منتشر شد. اگر تمام کارنامه سید حسینی تنها محدود به انتشار «فرهنگ آثار» هم بود باز حیات او به قدر چند زندگی کامل ثمره داده بود حال آنکه می‌دانیم اینگونه نبود و «فرهنگ آثار» تنها گوشه‌ای از کارنامه بی‌بدیل او را تشکیل می‌داد.

در مقالاتی که در ادامه می‌آید چند تن از اهالی فرهنگ به یاد این چهره فراموش‌نشدنی هر یک چند سطری نوشته‌اند که از نظرتان خواهد گذشت. یادش گرامی. □

علیرضا اکبری